



Volume 11, Issue 4, July 2024, p.173-194

Article Information

Article Type: Research Article

This article was checked by iThenticate.

Article History:

Received

30/05/2024

Received in revised form

22/07/2024

Available online

23/07/2024

THE SEMIOTICS - SEMANTICS OF XALSE IN THE POEMS OF PARVIN E'TESAMI BASED HAMID REZA SHAIRI 'S POINT OF VIEW

Haidar Naeem Hamza AL- Zoamil ¹

Abdulameer Chasib Zamil ²

Abstract

The semiotics- semantics of xalse is one of Hamid Reza Shairi 's poetic ideas, which can be discussed in mystical poems due to its characteristics. Parvin E'tesami is one of those who paid attention to mysticism and ethics in his poems, and in this article we are trying to examine the perspective of xalse discourse in Parvin's poems. The importance of the discussion of xalse in Parvin's poems is from the analysis of the ruling discourse on mystical poems in Persian literature; Because some poems that are based on mystical behavior have characteristics such as the presence of xalse, transcendence, anity and impulse, which indicate the discourse of xalse; But there are many mystical poems that lack such a feature. The aim of the present research is to check whether Parvin's poems have ecstatic discourse or not. By analyzing and describing the data, the researcher came to the conclusion that the dominant discourse of Parvin's poems is narrative discourse and although in some of Parvin's poems, some elements of xalse (elimination of performance, repulsion and anity, impulse and knocking, etc.) are observed. but due to the lack of other cases, we cannot talk about the discourse of xalse in Parvin's poems; Therefore, the researcher's opinion is that Parvin has a different mysticism from the mysticism of poets like Rumi. She is able to present mystical themes in the form of debate and storytelling and sometimes in the form of expressive actions.

Keywords : discourse of xalse, Hamid Reza Shairi, narrative discourse, Parvin E'tesami, sémiotique.

¹ Dr. Lecturer. University of AL- Qadisiyah, College of Archeology, AL- Qadisiyah, Iraq
haider.alzoamil@qu.edu.iq.

² Instructor. University of Baghdad, Collehe Of Education Ibn Rushd for Humanitarian Sciences, Baghdad, Iraq, abdulameer.chasib@ircoedu.uobaghdad.edu.iq.

نشانه - معناشناسی خلسه در اشعار پروین اعتصامی بر اساس دیدگاه حمید رضا شعیری

حیدر نعیم حمزه الزوامل³

عبدالأمیر جاسب زامل⁴

چکیده

نشانه- معناشناسی خلسه از نظریات حمید رضا شعیری است که با توجه به ویژگیهایی که دارد در اشعار عرفانی قابل بحث است. پروین اعتصامی از جمله کسانی است که در اشعارش به عرفان و اخلاقیات توجه داشته است و ما در این مقاله در صدد بررسی دیدگاه گفتمان خلسه در اشعار پروین هستیم. اهمیت بحث از خلسه در اشعار پروین از جهت تحلیل گفتمان حاکم بر اشعار عرفانی در ادبیات فارسی است؛ زیرا برخی از اشعار که مبتنی بر سلوک عرفانی هستند دارای ویژگیهایی همچون حضور شوشی، استعلا، آنیت و تکانه هستند که نشان از گفتمان خلسه دارد؛ اما بسیاری از اشعار عرفانی نیز وجود دارند که فاقد چنین ویژگی اند. هدف تحقیق حاضر نیز براین مهم استوار است که اشعار پروین را از نقطه نظر برخوردار داری از گفتمان خلسه بررسی کند. محقق با تحلیل و توصیف داده‌ها به این نتیجه رسید که گفتمان غالب اشعار پروین گفتمان روایی و یا کارگفتی است و گرچه در تعدادی از اشعار پروین برخی عناصر خلسه (حذف کنش، دفعیت و آنیت، تکانه و کوبش و...) مشاهده میشود اما به دلیل فقدان سایر موارد نمیتوان از گفتمان خلسه در اشعار پروین سخن گفت؛ نظر محقق این است که پروین دارای عرفانی متفاوت از عرفان شاعرانی همچون مولانا است. او توانسته مضامین عرفانی را در قالب مناظره و حکایت پردازی و گاه به صورت کنشهای بیانی مطرح میکند.

کلید واژه‌ها: نشانه- معناشناسی، گفتمان خلسه، پروین اعتصامی، شعیری، کارگفت.

مقدمه

در نظام گفتمان نشانه - معناشناختی، شاعر با تعامل و حضور فعال خود اقدام به تولید معنا میکند و از این طریق باعث آفرینش تولیدات زبانی منحصر به فرد میشود که گویای سبک هنری اوست؛ به عبارتی در گستره‌ی زبانی نویسندگان و شاعران به شیوه‌های مختلف به تولید نشانه‌ها و معنای فراخور احساسات خود میپردازند که سبب تمایز آنها از یکدیگر میشود. بررسی و تجزیه تحلیل این نشانه معناها طبق مطالعات جدید زبان‌شناسی توسط نظام نشانه - معناشناختی میتواند سبب تحولاتی شگرف در فرایند معنا شود و ما را با معنایی پویا، سیال، چند بعدی و همواره در حال بازسازی مواجهه کند.

اساس شکل‌گیری فرایند گفتمانی بر حضور است، عامل حضور سبب تجلی معنا توسط گفته پرداز میشود. اینجاست که نشانه - معناشناختی به ارزیابی، ارزش‌گذاری، نقد، چالش، قبول یا رد آنچه سبب هدف مندی تولیدات

³ دانشگاه قادسیه / دانشکده باستان‌شناسی / قادسیه / عراق.

⁴ دانشگاه بغداد / دانشکده آموزش و پرورش ابن رشد برای علوم انسانی / بغداد / عراق.

گفتمانی میشود میپردازد. نشانه-معناشناختی گفتمان، علم زبان شناسی را به مسیری هدایت کرد که باعث کشفیات جدیدی در حوزه مطالعات زبانی شد. یکی از این کشفیات جدید، گفتمان خلسه است که نخستین بار توسط حمید رضا شعیری مطرح شد. خلسه نوعی حالت درونی است که با انقطاع یا گسست از وضعیت موجود و اتصال با حقیقتی برتر سبب تولید معنایی است که به دنبال استعلای شوش گر حاصل میشود. آنچه مد نظر تحقیق حاضر است تطبیق گفتمان خلسه بر اشعار پروین اعتصامی است تا به مصداق شناسی خلسه در شعر فارسی بیشتر پردازیم و در عین حال اشعار پروین را از منظر نشانه-معناشناسی گفتمان نیز بررسی کنیم.

پروین اعتصامی در اشعارش به عرفان که تجلی گاه خلسه است توجه داشته و در قالبهای عمده شعری اش (قطعه، قصیده، مثنوی) این توجه را میتوان دید. حال محل بحث در این است که تولیدات این شاعر در رویکرد نشانه-معناشناسی در حیطة کدام نظام گفتمانی قرار دارند. اشعار پروین با وجود داشتن جنبه عرفانی و اخلاقی نوعی گفتمان روایی صرف است یا از گفتمانهای دیگر مانند خلسه که از دیدگاه های نوظهور محسوب میشود نیز برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش میتواند ما را به این دیدگاه هدایت کند که نوع نگاه شاعران در بهره گیری از عرفان متفاوت است برخی مقید به عرفان عملی و برخی صرفاً در بیان نظریات هستند؛ چرا که خلسه بر حضور و تعامل با عالم ماورایی استوار است که گویای عرفان عملی است نه نظری.

خلسه ادبی در برخی آثار عرفانی به ویژه در اشعار مولانا که با نوعی سیر و سلوک عارفانه آمیخته است از همان آغاز ورود به شعر نمایان است و با ضرب آهنگی تند و حالتی کوبشی مخاطب را غافل گیر میکند؛ اما در اشعار پروین همان گونه که گفته خواهد شد عرفانی متفاوت از عرفان مولانا دیده میشود. عرفانی که بیشتر نظری است تا عرفان عملی که خاص مولاناست. البته نباید این گفته ها را دال بر قیاس خارج از مقوله بحث گرفت بلکه هدف محقق، جدا از باز گویی مختصری از نظریه گفتمان خلسه ی شعیری، بررسی این فرضیه است که اشعار پروین در پند و اندرز و اخلاقیات است و مضامین اخلاقی اشعارش در پیوند با عرفان است؛ از این رو عرفان پروین عرفانی اخلاقی است نه عرفانی مبنی بر حضوری پدیدار شناختی و استعلا یافته که گفتمان خلسه را میآفریند. رسیدن به این فرضیه، براساس روش تحقیق توصیفی-تحلیلی پیگیری میشود.

1. پیشینه پژوهش

نشانه-معناشناسی گفتمان از رویکردهای نوین نقد ادبی به شمار میرود که کارکرد آن در راستای تجزیه و تحلیل متون و فهم نحوه تولید و دریافت معنا است. این رویکرد در اصل تلاش میکند تا بفهمد چگونه نشانه ها در زبان و در فرآیند ارتباطی بین افراد معنا را ایجاد میکنند و چگونه این معانی توسط گیرنده ها تفسیر میشوند. در ایران و در ادبیات

فارسی این رویکرد با پژوهشهای حمید رضا شعیری فراگیر شد. حمید رضا شعیری، منتقد ادبی و هنری و پژوهشگر حوزه نشانه- معناشناسی است. ایشان تا کنون به طرح نظریه‌های جدید در حوزه نشانه- معناشناسی و نظامهای گفتمانی پرداخته است. همچنین نظریه نشانه- معناشناسی هشدار و خلسه‌5 را نیز در ژورنالهای خارجی کشور بلژیک و ایتالیا منتشر کرده است. کوششهای فراوان شعیری در زمینه معرفی و بررسی انواع نظامهای گفتمانی در دو بخش قابل تقسیم است.

دسته اول شامل آن دسته از آثاری است که در مبحث نشانه- معناشناختی گفتمان جنبه آموزشی دارند مانند کتاب ((مبانی معناشناسی نوین)) که چاپ نخست آن به سال 1381 بوده است و همان گونه که از نام کتاب پیداست جهت آشنایی با مبانی اولیه نشانه- معناشناسی به کار می‌آید. کتاب ((تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان)) در سال 1385 که در ادامه و تکمیل مبانی معناشناسی نگاشته شده است و به صورت علمی بر روی مبانی نظری و روش شناسی تحلیل نشانه معناشناختی در گفتمان تمرکز دارد. شعیری در مقاله‌ی ((بررسی انواع نظامهای گفتمانی از دیدگاه نشانه- معناشناختی)) در سال 1386 به بررسی و تحلیل مختصر نظامهای گفتمانی از دیدگاه نشانه شناسی و معناشناسی می‌پردازد و تلاش میکند تا به درک بهتری از نحوه‌ی عملکرد و تفاوت‌های معنایی در این نظامها برسد. او در مقاله ((از نشانه شناسی ساخت گرا تا نشانه- معناشناسی گفتمان)) در سال 1388 به بررسی تحولات و تغییراتی که در زمینه نشانه شناسی از رویکرد ساخت گرا تا رویکرد نشانه- معناشناسی گفتمانی رخ داده است، می‌پردازد و در مقاله ((تحلیل نشانه- معناشناختی خلسه در گفتمان ادبی)) در سال 1391 برای نخستین بار گفتمان خلسه را مطرح کرده است و هدف از آن نخست تحلیل نشانه معناشناختی خلسه در گفتمان ادبی و تبیین ساز و کارهای آن است و دوم دستیابی به یک الگویی است که قادر باشد فرآیند تولید خلسه ادبی و نقش آن در تبیین معنا را مورد مطالعه قرار دهد.

اما دسته دوم آثار شعیری که با همکاری مشترک محققین دیگر در زمینه مطالعات موردی و در ارتباط با بحث حاضر است مانند کتاب ((راهی به نشانه معناشناسی سیال)) با بررسی موردی ققنوس نیما در سال 1388 نوشته‌ء حمید رضا شعیری و ترانه وفایی. نویسندگان در این کتاب سعی کرده‌اند با افزودن واژه " سیال " به نشانه- معناشناسی، رویکرد جدیدی در این علم به مخاطبان خود معرفی کنند. مقاله ((رویکرد نشانه- معناشناختی فرایند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوقی مثنوی)) از عصمت اسماعیلی، حمید رضا شعیری و ابراهیم کنعانی در سال 1391 هدف اصلی این مقاله بررسی تغییر شرایط گفتمانی و تولید معناهای سیال توسط فرآیند تنشی و تحلیل و توصیف آن در داستان دقوقی از مثنویاست. ((تحلیل نشانه- معناشناختی شعر باران)) از عصمت اسماعیلی، حمید رضا شعیری و ابراهیم کنعانی در سال 1392 مقاله دیگری است که به بررسی شکل‌گیری فرایند حسی- ادراکی و زیبایی‌شناختی در گفتمان ادبی شعر " باران " از گلچین گیلانی می‌پردازد

5. Pour une sémiotique de l'alerte. Les conditions semiolittéraires de l'éveil du corps HR Shairi, S Kariminejad Signata. Annales des sémiotiques/Annals of Semiotics, 199-216 2 2014

De l'imperfection : un dialogue avec l'univers mystique HR Shairi, Semiotica 2017 (214), 259-276

. مقاله ((تحلیل فرایند تولید معنا در (بلندی‌های بادگیر) رویکرد نشانه- معناشناختی گفتمان)) از مرضیه بهاد یوند چگینی ، علی کریمی فیروز جایی ، حمید رضا شعیری و معصومه ارجمندی در سال 1400 که در این پژوهش با تمرکز بر رمان مور دنظر ، فرآیندی که نویسنده در ارائه داستان و شخصیتها به کار میبرد و چگونگی دریافت و تفسیر آن توسط خواننده ، مورد بررسی قرار میگیرد .

مقالات فراوانی نیز در باره پروین اعتصامی در بیان دیدگاهها ، آثار و درون مایه اشعارش وجود دارد اما در باب نشانه - معناشناختی خلسه در دیوان پروین اعتصامی هیچ اثر پژوهشی در قالب مقاله ، پایان نامه و کتاب یافت نشد . حمید رضا شعیری در مقاله ((ویژگیهای نشانه- معناشناختی تأخیر کنشی بررسی موردی (مست وهشیار) پروین اعتصامی)) در سال 1387 شعر ((مست وهشیار)) اعتصامی را از منظر نظام گفتمان کنشی ، تحلیل و بررسی کرده است در حالی که سالها بعد در 1397 محمد ایرانی و ناصر ملکی در مقاله ((بررسی سروده‌های پروین اعتصامی از منظر شعر شناسی شناختی و تحلیل گفتمان انتقادی)) مدعی شدند که بیشتر اشعار پروین بعدی از گفتمان انتقادی و یا کار گفتی دارند .

پژوهش حاضر میتواند فرضیه این تحقیق را مورد مذاقه بیشتر قرار دهد چرا که تحلیل گفتمان انتقادی در مبحث نشانه - معناشناختی با رویکرد نظام روایی منطبق است که نقطه مقابل نظام خلسه است . جنبه نو آورانه این تحقیق نیز همین امر است و میتوان این ادعا را داشت که فرضیه ایرانی و ملکی در مقاله پیشین (گار گفتی بودن اشعار پروین) با طرح دیدگاه گفتمان خلسه در اشعار عرفانی از سوی حمید رضا شعیری به چالش کشیده شده و باید اثبات کنیم که برخی اشعار عرفانی از جمله اشعار پروین فاقد این نوع گفتمان هستند تا همچنان معتقد باشیم گفتمان حاکم بر اشعار پروین اعتصامی گفتمان کار گفتی است نه روایی .

2. چارچوب نظری تحقیق

علم نشانه- معناشناسی 6پس از پشت سر نهادن نظام ساختگرایی 7 به وجود آمد. لوئی یلمزلف 8 و ژولین گرماس 9 در ادامه نظریه فردینان دو سور 10 بنیان گذار ساختگرایی، تحولی عظیم در مطالعات زبان شناسی ایجاد کردند (شعیری، 1396: 12).

گرماس توانست با مطرح کردن کنشگر گفتمانی و نقش او در تولیدات زبانی به محدودیتهای مطالعات ساختگرایی پایان دهد و راه را برای مطالعات نشانه- معناشناختی ((گفتمان)) هموار کند (شعیری، 1396: 12) چرا که روشهای مطالعه ساختگرایان بر این اساس بود که تولیدات زبانی را ابژه های بیرونی و مستقل از تولید کننده آن میدانستند و توصیفات عینی زبان، بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش گفته پرداز در تولید گفتار مورد بحث قرار میگرفت (شعیری، 1385: 10). شعیری در تعریف گفتمان به نقل از گرماس میگوید: گفتمان فرایندی است زبانی که سبب میشود نوعی حضور در متن ایجاد شود و نشانه- معناشناختی ملزم به بررسی و یافتن شرایط این حضور از نظر گفته پرداز یا فاعل گفتمانی است (شعیری، 1385: 11).

مهمترین ویژگی نظام نشانه- معناشناسی گفتمان، حضور مداری، موضع گیری مرکزی و هدف مندی است (شعیری، 1384: 187). حضور مداری تبیین کننده جایگاه گفته پرداز در تولیدات زبانی است که بر اساس تعامل بین سطوح زبان باعث خلق تولیدات گفتمانی میشود. موضع گیری گفتمانی تبادل میان برونه ها (عناصر مربوط به صورتهای زبانی) و درونه ها (عناصر مربوط به محتوا) است که سبب ایجاد گستره (بسط) یا فشارهای (قبض) گفتمانی میشوند و هدف مندی در نظام گفتمانی توجه به بافت، موقعیت، تعامل و در یک کلمه کنش به عنوان اصلی است که از پویایی و فرایندی بودن زبان حکایت دارد. کنش گفتمانی نیز بر این نکته تأکید دارد که گفتمان از دو عنصر صورت و محتوا تشکیل شده باشد و به تولید معنا منجر شود (شعیری، 1388: 34).

نظام گفتمانی دارای سه زیر مجموعه است که عبارتند از نظام هوشمند، نظام احساسی و نظام رخدادی. در نظام هوشمند فرایند معنا تابع برنامه ریزی و مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده است و عامل فاعلی در فرایندی پویا از

6. sémiotique

7. Sémiologie

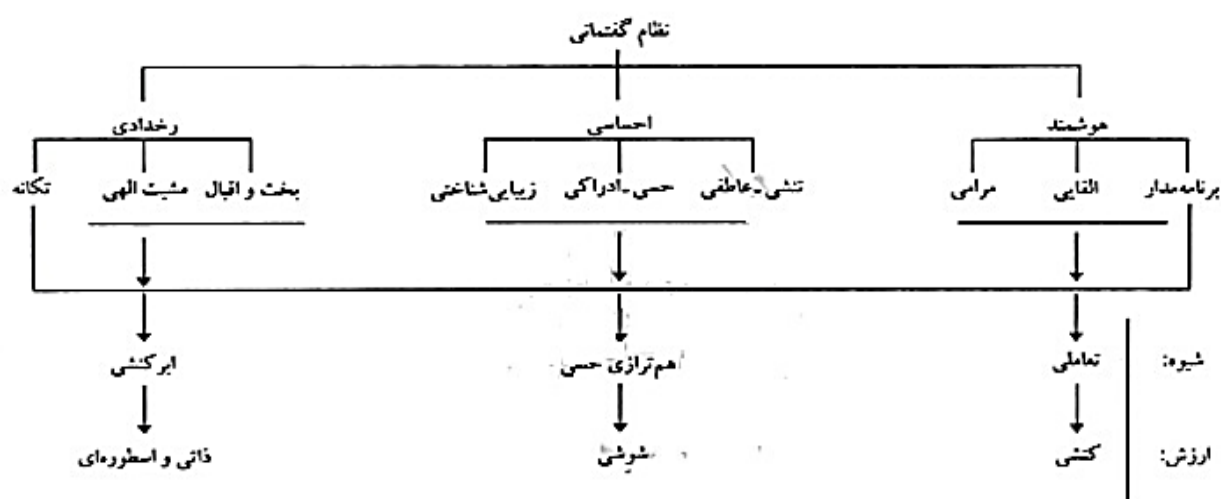
8. Louis Trolle Hjelmslev

9. Algirdes Julien Greimas

10. Ferdinand de Saussure

وضعیتی اولیه و نابسامان به وضعی ثانوی وسامان یافته میرسد؛ بنابراین ویژگی معناشناسی هوشمند تحول و گذر از وضعیتی به وضعیت دیگر است. در نظام احساسی بدون اینکه هیچ کنشی رخ دهد معنا حاصل میشود در این نظام ارزش مبتنی بر شوش است و بروز معنا تابع سه گونه تنشی-عاطفی، حسی-ادراکی و زیبایی شناختی است. در نظام رخدادی تغییر نه به صورت یک جریان برنامه ریزی شده بلکه به صورت رخدادی و ناگهانی صورت میگیرد؛ به عبارتی تغییر تابع احساسات، هیجانات و ادراکهاست یعنی ابتدا واقعه ای رخ میدهد و سپس معنا تحت تأثیر آن قرار میگیرد (شعیری، 1386: 109-116). الگوی نظام گفتمانی را میتوان بدین صورت ترسیم نمود:

شکل 1: الگوی نظام گفتمانی / Figure 1: Discourse System Template



گفتمانهای ادبیا مبتنی بر کنش هستند یا مبتنی بر شوش که به ترتیب نظام گفتمانی شناختی (هوشمند) و گفتمان احساسی (عاطفی) را به وجود میآورند (بهادیوند چگینی، 1400: 35)؛ بنابر این با دو نوع از حضور مواجهیم حضور کنشی و حضور شوشی. گفتمان کنش محور نظام گفتمان روایی را میسازد. در نظام روایی کنشگر بر حسب برنامه ریزی منطقی مراحل را طی میکند تا با خروج از یک وضعیت، به وضعیت دیگر و تحقق معنایی دیگر گونه برسد؛ اما گفتمان شوش محور به وجود آورندهی گفتمان عاطفی، احساسی یا زیبایی شناختی است و شوش ما را با مسئله پدیدار شناختی (اصل و جوهر جهانی پدیده) حضور مواجهه میکند؛ یعنی حضوری که شوشگر با دنیای بیرون دارد (شعیری، 1395: 89).

شوش که از مصدر شدن است ، از نظر شعیری یا توصیف کننده حالتی است که عامل گفتمان در آن قرار دارد و یانشان دهنده دستیابی به ابژه یا گونه‌ای ارزشی توسط عامل گفتمان است (شعیری ، 1397: 1) ؛ بنابر این در تعریفی جامع میتوان گفت شوش حالت یا جریانی است که طی رابطه‌ی حسی ادراکی و پدیداری شوش گر با دنیا رخ میدهد و سبب بروز معنایی شگفتی آفرین است که شوش گر ، با نوع و شیوه حضور خود ، به صورت غیر مترقبه و بدون هیچ برنامه ریزی خلق میکنند که بر خلاف انتظار همگان است (خان بابازاده ، 1397: 89) .

تفاوت گفتمان کنشی و روایی با گفتمان عاطفی در این است که در گفتمان روایی نتیجه‌ای که در پایان حاصل میشود اهمیت دارد اما در گفتمان عاطفی ، نوع حضور (شوش) و رخدادهایی که خلق میکند در درجه اهمیت قرار دارند . از این رو در نظام شوشی بر خلاف نظام کنشی تنها تغییر حالتی رخ میدهد بدون اینکه برنامه یا هدفی مطرح باشد یا کنش و عملی صورت گیرد ؛ به عبارتی شوش گر به دنبال آگاهی از حضور خود نسبت به موقعیتی که در آن قرار دارد خود را مهیای در یافت خود و دیگری میکند (کنعانی ، 1398: 164) .

گفتمان شوش محور نظام رخدادی را نیز در بر میگیرد . در گونه‌ی رخدادی نیز به دلیل ویژگی نامنتظری شاهد جریان نوعی شوش پدیدار شناختی هستیم (شعیری ، اسماعیلی ، کنعانی ، 1392: 65) با این تفاوت که با حضوری ابر کنشی و نیرویی خارج از اراده بشری مواجهیم و عامل گفتمانی بدون اینکه در کنش نقشی داشته باشد با کنشی از نوع مثبت یا منفی روبرو میشود که خارج از اراده اوست (شعیری ، 1384: 114) . در این نظام من شخصی به واسطه تسلط جریان شوشی در فرایندی استعلایی دچار نوعی استحاله عاطفی شده و به ((شوش گر ممتاز)) تبدیل میشود . در این فرایند شاهد تبدیل ارزش به فرا ارزش هستیم (شعیری ، اسماعیلی ، کنعانی ، 1392: 67) .

پژوهش حاضر بر نشانه- معناشناسی خلسه نظر دارد که مطابق نظر شعیری سازو کاری شوشی دارد و تحت نظارت و کنترل نظام عاطفی است . این رویکرد با سلب کار کرد شناختی و عقل گرا منشأ شکل‌گیری نوعی رابطه‌ی زیبا شناختی انفسی میشود (شعیری ، 1391: 130) . از این رو در خلسه ((سوژه)) پس از پشت سر گذاشتن همه‌ی تجربه‌های شناختی و حسی ادراکی ، به جوهری پدیدار شناختی و عمق حضور دست مییابد و با ((موسیقی روح جهان)) به وحدت و همنوایی میرسد ؛ بنابر این ، شاهد نوعی هم حضوری و برهم کنشی در بین تمام عناصر گفتمانی هستیم (شعیری ، کنعانی ، 1394: 190) .

پس از تبیین جایگاه خلسه در نظام گفتمانی برای بررسی چگونگی آن در اشعار پروین اعتصامی ، بررسی این مسئله ضرورت مییابد که بدانیم اصولاً خاستگاه خلسه در چه نوع اشعاری است و سپس پروین چگونه اشعاری دارد که در ادامه در قسمت ساختار به آن میپردازیم .

3. ساختار تحقیق

طی تحقیقاتی که بر اشعار پروین صورت گرفته اغلب اشعار او را برخوردار از نوعی گفتمان روایی یا کارگفتی دانسته اند. با توجه به محتوای عرفانی برخی اشعار پروین که تحت تأثیر اندیشه‌ها و اشعار مولانا و عطار است ابتدا باید بررسی کنیم همان طور که شعری گفتمان خلسه را در اشعار مولانا ثابت کرده‌اند در اشعار پروین نیز میتوان این رویکرد را مشاهده نمود. از این رو فرضیه تحقیق این است که مضامین اخلاقی اشعار پروین اعتصامی گرچه در پیوند با عرفان است؛ اما نه عرفانی مبنی بر حضوری پدیدار شناختی و استعلا یافته که گفتمان خلسه را می‌آفریند؛ بنابراین میتوان گفت دیدگاه محققانی که اثبات نموده‌اند اغلب اشعار پروین کارگفتی یا القایی است پذیرفته تر است.

ساختار تحقیق همان گونه که گفته شد در گام نخست تبیین خلسه و چیستی آن است. گام بعدی بررسی چگونگی اشعار پروین اعتصامی و تحلیل نظام نشانه-معناشناسی حاکم بر آن است. در آخر جایگاه خلسه در اشعار عرفانی پروین بحث و بررسی خواهد شد. از آنجا که بیشترین حجم اشعار پروین را قطعه تشکیل میدهد ابتدا یکی از قطعات او تحت عنوان ((رنج نخست)) را گزینش کرده و بررسی میکنیم. سپس مثنوی ((لطف حق)) از این جهت که از نمونه اشعار عرفانی پروین است و بیشتر میتواند محل بحث حاضر باشد تحلیل و بررسی خواهد شد. دلیل دیگر گزینش این شعر این است که پس از قطعه، مثنویات بیشترین تعداد اشعار پروین را به خود اختصاص داده‌اند. انتخاب شعر ((بنده مشو درهم ودینار را)) نیز بر این اساس است که قصاید سومین نوع از پر تعداد ترین قالبهای شعری پروین است و خوانش نخستین شعر، این گمان را ایجاد میکند که خلسه در آن رخ داده است. دلیل انتخاب چنین روشی برای بررسی این است که غالب اشعار پروین به سبک مناظره و گفتگو است به نحوی که حتی تمام مثنویات پروین که محل ابراز اندیشه‌های عرفانی اوست نیز دارای چنین خصیصه‌ای است. به همین دلیل محقق به ذکر تنها یک نمونه شعر در هر کدام از قالبهای شعری ایشان بسنده نموده است.

4. چیستی خلسه و عناصر دخیل در آن

خلسه¹¹ به معنای حالتی بین خواب و بیداری است که بر اثر فضایی خوشایند ایجاد میشود. در تصوف به حالت بین خواب و بیداری شخص عارف و صوفی گفته میشود که طی آن حقایق بر او مکشوف میشود (دهخدا، ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ج

¹¹. xalse

1، ص 1154). به عبارتی خلسه 12 نوعی جذبه و ربایش معنوی است که در پی کشف و شهود عرفانی برای سالک رخ میدهد و یکی از راه های وصول به مکاشفه و مشاهده به شمار میرود (افراسیاب پور، رشیدی ازندریانی، 1397: 74).

شعیری خلسه را لحظه ای میدانند که سوژه از خود رها میشود و در وضعیتی مشابه با وضعیت بین خواب و بیداری قرار میگیرد (شعیری، 1391: 132). طبق این تعاریف خلسه را میتوان حالت خاصی دانست که انسان در گسست با خود و در تعامل با نیروی ماورایی آن را تجربه میکند که سبب ایجاد وضعیتی استعلایی و منحصر به فرد در انسان میشود که به واسطه آن، از دنیای مادی و تاثیرهای آن جدا شده و به سوی عمق حضور حرکت میکند.

خلسه در مبحث گفتمانی از دیدگاه شعیری زمانی شکل میگیرد که کنشها در حاشیه قرار گیرند و جای خود را به شوش، که فرایندی تنشی عاطفی است دهند. در این حالت شوش گر در وضعیتی انفعالی از خود رها شده و تحت عظمت و اراده ای یک ((دیگر)) فراسوژه ای ((شدنی)) آنی را تجربه میکنند (شعیری، 1391: 129). این سخن نکات کلیدی مرتبط با خلسه را در خود دارد که عبارتند از: حذف کنش، شوش، فرایند تنشی عاطفی، شوش گر، استحال، گسست، استعلا، آنیت و فوریت. به عبارتی هنگامی که ما از گفتمان خلسه سخن میگوئیم و آن را بر اساس دیدگاه شعیری بررسی میکنیم با عوامل یا عناصری بر خورد میکنیم که سبب شکل گیری در یافتی زیباشناختی است که به واسطه ای تسلط شوش، از ویژگی تکانه ای و کوبشی برخوردار است.

برخی خلسه را یکی از راه های رسیدن به عالم ماوراء میدانند (افراسیاب پور، رشیدی ازندریانی، 1397: 73). شعیری نیز شکل گیری خلسه را که با استحال درونی شوش گر در ارتباط مستقیم است نتیجه تعامل با چنین رخدادی (ماوراء) میدانند. ایشان در تحقیقات خود اظهار داشته اند که خلسه ادبی را به خصوص در شرق، در برخی آثار عرفانی که با تغییر حالت درونی و اتصال با روح هستی یا همان عالم ماوراء همراهند میتوان یافت. شعیری ضمن تحلیل برخی از اشعار مولانا معتقد است اشعار مولانا به سبب داشتن چنین ویژگی؛ یعنی گفتمان خلسه سبب بهت زدگی مخاطب میشود (شعیری، 1391: 133). از این رو طبق تحلیلهای آقای شعیری از گفتمان خلسه، برای بررسی خلسه ادبی باید به ادبیات عرفانی رجوع کرد.

ادبیات عرفانی موضوعات و مضامین عرفانی را در بر میگیرد که در قالب شعر یا نثر بیان شده اند. عرفان در ادبیات فارسی، به دلیل آمیختگی با سیر و سلوک انفسی و هستی شناسی، از همان آغاز سبب تحولی برجسته در صورت و معنی شعر فارسی شد. نگاه عارفان به هستی، نگاهی خلاف عادت و بر اساس مکاشفات روحی و تأملات درونی آنها بوده است. از این جهت در بسیاری از آثار عرفا نمودهایی از چنین حالات و مکاشفه های روحی را میتوان مشاهده کرد. به همین دلیل است که در ادبیات عرفانی عنصر زیبایی شناسی، عاطفی و طرح نشانه معناها و اندیشه های نو و خلاف عادت تشخیص دارد.

¹². seizing /Ecstasy

در این میان در غزل‌های عارفانه مولانا، که از تجربه‌ی خاص او نشأت می‌گیرد و با ابهام‌های حاصل از حضور حق و معشوق آسمانی در ذهنش همراه است، از آن دسته غزل‌های عارفانه خلاف عادت است. به عبارتی دیگر، در غزل‌های عارفانه مولانا، جمالاتی وجود دارند که از معمول خارج شده و خواننده را با شگفتی و حیرت مواجه می‌کنند. مولوی چندین بار در این شعرها خود را ((خاموش گویا)) یا ((گویای خاموش)) نامیده است؛ به این معنا که او به ظاهر صحبت می‌کند، اما در حقیقت خاموش است و گوینده‌ی شعرها دیگری است (ولیثی محمد آبادی، 1394: 169).

پروین اعتصامی نیز از جمله کسانی است که دیدگاه‌های عرفانی خود را در بطن اشعارش گنجانده است و در عرفان تحت تأثیر مولانا است (مظاهری، 1387: 167). این تأثیر را در قصیده ((جامه‌ی عرفان)) به خوبی می‌توان مشاهده نمود همچنین قطعه ((مست و هشیار)) نیز یاد آور قصه‌ای مشابه در دفتر دوم مثنوی است (کاکاوند قلعه نوبی، نجار نوبری، 1396: 47-56). برای درک بیشتر سبک عرفانی پروین نیاز است نگاه مختصری به چگونگی اشعار او بیندازیم.

5. بررسی چگونگی اشعار پروین اعتصامی

پروین اعتصامی از حیث قالب شعری بیشتر قطعه، مثنوی و قصیده سروده است. بیشتر معروفیت پروین به سبب سبک مناظره‌ای اشعارش است که غالباً در قالب قطعه بیان شده‌اند؛ در دیوان اشعار پروین 112 قطعه به صورت فن مناظره وجود دارد که در آنها اعتراض بدون فریاد او به مسائل اجتماعی و ضد اخلاقی نمایان است (اکبری، 1392: 1؛ دیوان پروین، 1381: 22). به اعتقاد برخی از محققین در مناظرات پروین بعدی از گفتمان انتقادی وجود دارد که حاوی پیام‌های اخلاقی اوست که از زبان عناصر طبیعت (حبوبات، نخ و سوزن و غیره) بیان شده است؛ به عبارتی پروین نشانه‌ها را برای افاده معنا به کار می‌گیرد. از این رو در بیشتر این گفتگوها لحنی آمرانه و تحقیر آمیز از مناظره دو شیء وجود دارد که در ابتدا کنش‌های بیانی هستند ولی بعداً به کنش‌های القایی و یا کارگفتی منتهی می‌شوند (ایرانی و ملکی، 1397: 12) که شاعر با این روش اندیشه‌های ناب خود را ارائه می‌کند.

پس از قطعه بیشترین توجه پروین به مثنوی است. مثنوی‌های پروین شامل 49 حکایت است. یک نکته مهم در باره حکایت‌های پروین وجود دارد که بیشتر آنها از قالب و ساختار یک داستان امروزی و یا حتی اثری روایی که دست کم از دو شخصیت، یک کنش و یک گفتگو تشکیل شده باشند، برخوردار نیستند. به دلیل تسلط کامل پروین بر شخصیت‌ها و در بیشتر موارد، نبودن کنش، حکایت‌ها به صورت یکدستی و بدون تعامل دوسویه پیش می‌روند. بنابر این، بخش قابل توجهی از این حکایت‌ها به شکل گفتگوی یک جانبه تنظیم می‌شوند و حکایت از زبان راوی، که خود پروین است، نقل می‌شود.

قصاید پروین ، نیز نمونه‌هایی از اشعار ارشادی او هستند که اغلب با لحن ترغیبی بیان شده‌اند تا همانند سایر اشعارش شنونده را تحت تأثیر مفاهیم آرمانی مدنظر شاعر قرار داده و با خود همراه کند (عبیدی نیا ، لاوژه ، 1389: 104) . از این رو پروین در سرودن قصاید بیش از آنکه به لفظ بیندیشد سعی دارد معانی و مفاهیم بلند ذهنی خود را انتقال دهد .

6. تحلیل نظام نشانه- معناشناسی حاکم بر غالب اشعار

پروین

برای بررسی گفتمان غالب بر شعر پروین نخست یکی از قطعات مناظره‌ای او را از حیث اینکه یک سوم از کل دیوان او را تشکیل می‌دهند از منظر نشانه- معناشناسی خواهیم گذراند ؛ زیرا مناظرات نوعی گفتمان مبتنی بر تعاملند و رویکرد نشانه- معناشناسی با تحلیل و تجزیه ساختار آنها میتواند امکان تولید و دریافت معنا را فراهم کند (نصیحت و باغبانی ، 1400: 94) .

مثال 1 ((رنج نخست))

خلید خار درشتی به پای طفلی خرد	به هم برآمد و از پویه بازماند و گریست
بگفت مادرش کین اولین رنج قدم است	زخار حادثه ، تیه وجود خالی نیست
هنوز نیک و بد زندگی به دفتر عمر	نخوانده ای و به چشم توراه و چاه یکی ست
ز پای ، چون تو درافتاده‌اند بس طفلان	نیوفتاده در این سنگلاخ عبرت ، کیست؟
ندیده زحمت رفتار ، ره نیاموزی	خطا نکرده ، صواب و خطا چه دانی چیست
دلی که سخت ز هر غم تپید ، شاد نماند	کسی که زود دل آزرده گشت ، دیر نزیست
ز عهد کودکی ، آماده ی بزرگی شو	حجاب ضعف چو از هم گسست ، عزم قوی ست
به چشم آنکه در این دشت ، چشم روشن بست	تفاوتی نکند ، گر ده است چه ، یا بیست...

(دیوان پروین ،

1381: 90)

((رنج نخست)) مناظره ای میان کودکی با مادر خود است . این مناظره که بیشتر درون مایه‌ای اخلاقی و پند آموز دارد بر اساس نظام گفتمانی حمید رضا شعیری نوعی از گفتمان روایی است ؛ زیرا به عقیده ایشان در نظام روایی ما با یک نقصان در معنا مواجهیم و تصمیم کنشگر برای رفع این نقصان و خارج شدن از بحران اساس گفتمان را شکل می‌دهد . شعیری در توضیح گفتمان روایی ، با مثال زدن داستان سیندرلا ، میگوید خلل و نقصان در داستان سیندرلا همان عدم ثروت و فقر است . تصمیم کنشگر برای گریز از آن که وضعیتی اولیه و نابسامان است ، به راهبردهایی (کنش) میانجامد که به

سوی نقطه پایانی و تحقق معنا ختم میشود؛ یعنی رسیدن به وضعیت ثانویه و سامان یافته که همان ثروت و خوشبختی است. در این فرایند کنشگر در برنامه‌ای روایی، زنجیره‌ای کنشی را شکل میدهد تا راه را برای تغییر و تحقق معنا هموار کند (شعیری، 1385: 3). سرنوشت معنا در پایان فرایند روایی رقم می‌خورد که به تعبیری همان نتیجه داستان است. در مصرع اول این قطعه نیز چنین نقصانی را مشاهده میکنیم که با خلیدن خار درشتی به پای کودک و نمایان شدن آثار رنج و ناراحتی در او، پدیدار میشود. بر اساس الگوی نشانه-معناشناسی این اختلال و نقصان در معنا گونه‌ای نظام گفتمان روایی است.

در گفتمان روایی تغییر معنا مستلزم آن است که نظام کنشی از یکی از این سه حربه کنشی نشات گرفته باشد:

1. حربه کنشی تجویزی 2. حربه کنشی القایی 3. حربه کنشی مرامی اخلاقی (شعیری، 1387: 1). در اینجا نیز حربه دوم در سخنان مادر کودک نشان میدهد که او در سلسله‌ای از کنشهای القایی، موضع گفتمانی را با جملاتی تأثیر گذار شکل میدهد. از نظر شعیری حربه کنشی القایی 13 زمانی رخ میدهد که بین دو کنشگر رابطه‌ای موازی و تعاملی بدون اینکه برهم برتری داشته باشند برقرار شود و یکی از کنشگران در صدد متقاعد کردن دیگری برای انجام کاری باشد تا کنشی تحقق یابد. القا ممکن است از طرق مختلفی از جمله وسوسه، تحریک، رشوه، پاداش، تنبیه و... صورت پذیرد (شعیری، 1387: 2).

کنشگر به واسطه حربه کنشی القایی با استدلال، جهت اقناع سازی به تولید کلام می‌پردازد تا کنشگر مقابل را به کنش وادارد، اما در این مناظره تنها با نوعی از کنشهای القایی گفتاری یا بیانی رو برو هستیم و گفتمان در جهت شناخت کنشگر مقابل بدون کنشی از سوی او صورت می‌پذیرد. در اولین جمله تأثیر گذار: ((ز خار حادثه، تیه وجود خالی نیست)) به کودک خود یادآوری میکند که ممکن است همواره در زندگی با نقصها و کاستیهای رو برو شویم و برای تأثیر والقای بیشتر که نشان دهد همه در معرض ابتلا و نقصان هستند با پرسش: ((نیوفتاده در این سنگلاخ عبرت، کیست؟)) این مفهوم را در ذهن کودک ایجاد میکند که نقصان در زندگی، یکی از ویژگیهای آن است.

اما ما این کنش القایی را مطابق دیدگاه شعیری نمی‌بینیم زیرا طبق دیدگاه شعیری در گفتمان روایی باید از جانب کنشگر مقابل حرکتی در جهت رفع نقصان و تغییر معنا صورت گیرد اما در شعر ((رنج نخست)) چنین کنشی عملاً وجود ندارد؛ به عبارتی همه‌ی عناصر گفتمان روایی در اینجا موجود نیستند. با وجودی که نقصان در معنا و حربه‌ی کنشی القایی وجود دارد اما کنش متقابلی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا در این مناظره شاعر به القای کنش واحد بسنده کرده است. به اعتقاد برخی از محققین دخالت پروین به عنوان راوی و بخشیدن سهم بیشتر کلام به کنشگران مورد حمایتش، تنشهای داستان را غالباً به حالت یک طرفه میکشاند که در آنها هیچ کنشی اتفاق نمی‌افتد (منوچهریان، اکبری، 1394: 107-110). برخی نیز بر این باورند چپش چنین ابیاتی در مناظره تنها برای ارائه اندیشه است (عبیدی نیا و لاوژه، 1389: 111) اندیشه‌ای که

¹³. Manipulation

هدفش تأثیری گذاری بر ذهن مخاطب و ارائه شناخت به کنشگر مقابل استو نشان از کنشهای گفتاری دارد. به عبارت دیگر مناظرات پروین را یا مطابق نظام کار گفت یا نظام کنشی القائی میدانند (ایرانی و ملکی، 1397: 1).

با این تفاسیر، در اینجا جدا از گفتمان روایی با حربه القایی دیدگاه دومی نیز مطرح میشود یعنی دیدگاه کارگفت 14 یا کنش گفتاری. نظریه کارگفت نخستین بار از سوی آستین 15 از فلاسفه مکتب آکسفورد معرفی شد که برای تحلیل گفتمان و به منظور در یافت هدف و قصد گوینده به کار میرود. به اعتقاد آستین جملات خبری از گونه‌های اصلی جملات زبان نیستند و اساسا کاربرد اصلی زبان اطلاعی نیست. او جملاتی در قالب قسم، قول، شرط و اخطار را دارای نوعی کنش یا عمل میدانند و آنها را پاره گفتارهای بیانی مینامد و معتقد است که در چنین جملاتی، عملی از طریق فعل جمله بیان میشود. به اعتقاد آستین در پاره گفتارهای بیانی بحث برسر کاری است که چنین جملاتی میتوانند انجام دهند و صدق یا کذب بودن آنها اصلا مطرح نیست (دل افکارو همکاران، 1393: 41). از نظر آستین تولید یک کارگفت سه مرحله دارد نخست کنش بیانی است؛ یعنی کارگفت نیازمند گوینده ایست که چنین پاره گفتاری را تولید کند. دوم تأثیری است که این کارگفت بر مخاطب میگذارد و آن را کنش غیربیانی مینامد. علاوه بر این واکنش مخاطب نسبت به کنش غیربیانی را کنش پس بیانی مینامد.

در بررسی نظریه کارگفت در مناظره رنج نخست باید گفت در دیدگاه کارگفت آستین، کنشگر با مفهوم سازی در ذهن مخاطب، کنش القایی ایجاد میکنند، به عبارتی در نظام کارگفت آستین، گفتن برابر با کنش است و گوینده با به زبان آوردن جمله ها کاری انجام میدهد. آستین این فعلها را کنش مینامد و آنها را از فعلهایی که اطلاعات را به صورت غیر کنشی انتقال میدهد متفاوت میدانند (کاظمی، 1393: 11). در واقع این کنش القایی، در ذهن مخاطب انجام میشود؛ پس در شعر رنج نخست مطابق نظریه کارگفت، از لحاظ مفهوم سازی این شناخت در ذهن مخاطب القا میشود که این نقصان همواره در زندگی افراد وجود دارد و باید از همان کودکی آماده پذیرش آن باشد تا به نتیجه برسد حتی اگر هزار کوه سد راهش شود یا به هزار راه او را از پا بیندازند.

نتیجه بررسی مناظره رنج نخست نشان میدهد که این مناظره به نظام کارگفتی آستین نزدیک تر است زیرا در نظام گفتمان روایی شعیری حرکتی برای تغییر و رسیدن به معنا باید باشد که در این مناظره وجود ندارد. پس نظام گفتمانی حاکم بر مناظرات پروین طبق ادعای مطرح شده یا کارگفتی و یا گفتمان القایی هستند.

¹⁴. Speech Act

¹⁵. Austin

7. جایگاه خلسه در شعر پروین

پس از اخذ نتیجه کار گفتی بودن قطعه ((رنج نخست)) به بررسی خلسه در اشعار پروین می‌اندازیم تا از این رهگذر به هدف نهائی تحقیق یعنی اثبات سبک خاص پروین در عرفان او برسیم که متمایز از اشعار سایر عرفای بزرگ است. اشعار عرفانی پروین اساساً با اخلاق گره‌خورده‌اند؛ زیرا که پروین قبل از هر چیز شاعر تربیت و اخلاق است و تربیت و اخلاق مبتنی بر اندیشه‌ی عرفانی است (نجفی، 1392: 8-1). یکی از این اشعار که با تعلیمات و اندیشه‌های اسلامی عجین شده و در بردارنده مضامین ژرف عرفانی است مثنوی ((لطف حق)) است.

مثال 2 ((لطف حق))

مادر موسی ، چو موسی را به نیل	در فکند ، از گفتهٔ رب جلیل
خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه	گفت کای فرزند خرد بی گناه
گر فراموش کند لطف خدای	چون رهی زین کشتی بی ناخدای
گر نیارد ایزد پاکت بیاد	آب خاکت را دهد ناگه بیاد
وحی آمد کاین چه فکر باطل است	رهرو ما اینک اندر منزل است
پرده شک را برانداز از میان	تا ببینی سود کردی یا زیان
ما گرفتیم آنچه را انداختی	دست حق را دیدی و نشناختی...

(دیوان پروین)

(1381: 294)

مثنوی ((لطف حق)) که به یاد خدا سروده شده و خواننده را با حقایق و افکار والاتری آشنا میکند (دیوان پروین 1381: 44) مناظره‌ای میان مادر حضرت موسی با خداوند است. این مثنوی با طرح حکایت و بیان مقدماتی برای ورود به مناظره آغاز شده است.

نظر به فهم عمده ما خلسه ادبی خارج از رویکرد استدلالی و روایی است. در خلسه خروج از وضعیت شناختی و قرارگیری در وضعیتی تنشی عاطفی سبب تضعیف جریان کنشی میشود از این رو همه مقدماتی که یک متن لازم دارد تا کنش صورت گیرد، حذف میشوند. با حذف این مقدمات عملاً زنجیره‌ی استدلالی برنامه محور، نیز وجود نخواهد داشت و متن با نتیجه یا پایان یک کنش آغاز میشود؛ به عبارت دیگر در خلسه هیچ کنشی وجود ندارد و آنچه رخ میدهد تغییر حالتی است که در پی وضعیتی شوشی محقق میشود. شعیری معتقد است در خلسه، فاصله کنش و تحقق معنا به زمان صفر میرسد و

گفتمان وضعیتی کوبشی پیدا میکند و مانند یک ((آن)) گفتمانی عمل میکند که لحظه‌ی ایجاد شوک یا تکانه است (همان ، 133:1391).

بر این اساس ، نظر محقق این است که در این مثنوی با وجود برخورداری از عرفانی عمیق ، طرح حکایت خود نوعی مقدمه سازی محسوب میشود که با خلسه هیچ مناسبتی ندارد. گرچه میتوان در مصرع ((وحی آمد کاین چه فکر باطل است)) حضور شوشی را تبیین کرد اما چنین به نظر میرسد این حضور ناشی از نقش راوی به عنوان دانای کل در حکایت پردازیهایش است که گاه نقش کنشگر مقابل را هم خود بر عهده میگیرد و از زبان او سخن میگوید . حتی در قسمت نتیجه گیری هم این مسئله صدق میکند و اغلب این دانای کل یا راوی داستان که معمولاً خود شاعر است پیش افتاده و نتیجه قطعی یا احتمالی داستان را کاملاً واضح و روشن در قالب یک یا چند بیت بیان میکند به طوری که مخاطب فرصت حدس زدن نتیجه را هم از دست میدهد . علت این است که پروین داستانه‌ها را در حکم ابزاری اخلاق و تربیتی به قصد پند و اندرز ، القا و یا شناخت مخاطب به خدمت میگیرد . پس میتوان گفت اساساً غلبه بر وجه شناختی و کنشی ، آنیت و دفعیت ، ایجاد شوک و تکانه به عنوان عناصر خلسه در این مثنوی وجود ندارد . هر چند از نظر برخی از محققین این مثنوی در باب توحید افعالی و حاوی مضامین عرفانی است (مظاهری ، 1387:167) و عرفان به عنوان خاستگاه خلسه معرفی شد اما عرفان پروین عرفانی نظری است که در خدمت موعظه و اخلاق است و به معنای سیروسلوک عارفانه نیست . از این رو اگر بخواهیم برای پروین قائل به مکتب عرفانی شویم عرفان او را باید عرفان اخلاقی بدانیم که به سعادت‌مندی افراد جامعه نظر دارد (همان ، 1387:170) و گفتمان خلسه در آن جایگاهی ندارد .

از بررسی قطعه و مثنوی که بگذریم به این قصیده پروین میرسیم ((بنده مشو درهم و دینار را)) . پروین در این شعر ، به شکل بارز نفس ، شیطان و خطراتی که آنها به همراه دارند را به تصویر کشیده و همچنین راه‌هایی برای ایمنی از آنها را نیز بیان کرده است .

مثال 3 ((بنده مشو درهم و دینار را))

کار مده نفس تبه کار را	در صف گل جا مده این خار را
کشته نکودار که موش هوی	خورده بسی خوشه و خروار را
چرخ و زمین بنده تدبیر تست	بنده مشو درهم و دینار را
همسر پرهیز نگرود طمع	با هنر انباز مکن عار را
ای که شدی تاجر بازار وقت	بنگر و بشناس خریدار را...

(دیوان پروین)

(1381: 54)

این قصیده اهمیت خود آگاهی و خود شناسی را مورد تأکید قرار میدهد . شروع شعر بر خلاف دو شعر قبلی بدون مقدمه و همراه با آنیت و دفعیت است که تبیین کننده حضور شوشی است ؛ بنابر این خوانش شعر ، نخستین ویژگیهای گفتمان خلسه ؛ یعنی حذف کنش ، ویژگی شوشی و حالت تکانه ای و کوبشی را تقویت میکند چرا که به گفته ی شعیری گفتمان خلسه به سبب حذف فاصله بین قرار گیری در مرز کنش و عبور به هاله معنایی جدید که با تغییر ، استحالته و استعلا همراه است ، وضعیتی تکانه ای یا کوبشی دارد (شعیری ، 1391: 129). حال سؤال این است آیا در این شعر تکانه و عبور به هاله معنایی جدید در پی استحالته شوش گر تحقق یافته است یا خیر ؟

بر اساس مطالعات انجام شده چنین در یافت میشود که در عرفان ، آنچه موجب در یافتهای معنوی و الهی برای عارف میشود تجربه عرفانی و کشف و شهود است و این واردات غیبی که در پی پاکی درون و قطع دلبستگی از امور دنیوی و مادی و اتصال با عالم مجرد (استحالته) استدر خلسه اتفاق میافتد (افراسیاب پور ، رشیدی ازندریانی ، 1397: 73). پس ورود به خلسه با گسست از ((من)) مادی و استحالته میسر میشود . بر اساس نظر شعیری استحالته حالتی درونی و نتیجه تعامل و گره خوردن شوش گر با روح جهان هستی است که موجب بروز وضعیتی استعلایی در او میشود (شعیری ، 1391: 130) ؛ به عبارت دیگر تحقق خلسه و رسیدن به معنایی که به قول شعیری ایجاد شوک کند نیاز مند شکل گیری چنین تغییر حالتی در شوش گر است که این امر به دنبال همه چالشهایی حاصل میشود که تحت کنترل فرایند تنشی قرار دارند (اسماعیلی ، شعیری ، کنعانی ، 1391: 91).

پس در خلسه ، استحالته ، استعلا ، فرایند تنشی و ایجاد شوک اهمیت دارند . در مصرع ((کار مده نفس تبه کار را بدون مقدمه و کنش و به صورت ناگهانی میتواند نشان از وضعیتی شوشی باشد که شاعر در آن قرار دارد و فرایند معنا را با تکانه همراه کرده است ؛ اما با این وجود در این قصیده به نظر میرسد ویژگی تکانه ای ناشی از رخدادی پدیدار شناسی و تعامل با جوهر هستی نیست بلکه در اینجا بیشتر به سبب انتخاب بحر سریع برای شعر است ؛ زیرا در بین شاعران استفاده از این بحر در جهت انتقال مفاهیم عرفانی و اخلاقی مرسوم بوده است . از طرف دیگر پروین در سرتاسر شعر با تکرار مصوت بلند ((ا)) گویی میخواهد فریاد بزند و از مخاطبان خود میخواهد که روح خود از خار نفس دور کنند (عبیدی نیا ، لاوژه ، 1389: 104-105). پس او در این قصیده با شناخت کامل ، انسان را نسبت به امور نفسانی که زیان فردی و اجتماعی در پی دارند هشدار میدهد و این شناخت خود گویای این امر است که با وجود داشتن ویژگیهای چون حذف کنش ، آنیت و فوریت ، فضای تنشی ، ایجاد شوک و تکانه ، عدم وجود عناصر دیگر در گفتمان اصل خلسه بودن آن را زیر سوال میبرد . طبق گفته شعیری در خلسه شوش گر از طریق رابطه احساسی و تنشی ، در گسست با خودش قرار میگیرد و ((من)) مادی و خردگرا در فرآیندی استعلایی ، در مرتبه ای بالاتر ، به مقام وحدت با خداوند نائل میشود (شعیری و اسماعیلی ، 1392: 82) اما در اشعار پروین چنین گسستی مشاهده نگردید تا بتوان بر وجود خلسه در میان اشعار عرفانی او مهر تأیید زد . دلیل این مطلب را باید در این جست که همان طور که برخی مدعی هستند پروین مضامین عرفانی خود را از شاعرانی

چون مولوی و عطار و ... گرفته است و به شیوه‌ای جدید آنها را بیان نموده بنابر این نمیتواند حاصل گسست از من شخصی پروین و ارتباط با جوهر هستی باشد. (مظاهری، 1387: 168). محقق با رد خلسه معتقد است کار گفت انداز و هشدار که نوعی کنش غیر بیانی هستند (دل افکار، صناعی پور، زندی، ارجمند فر، 1393: 42) بر این شعر حاکم است زیرا در کنش غیر بیانی مخاطب بر اساس فهم و آمادگی درونی و بر حسب تجزیه و تحلیل درونی خود، از خود واکنش نشان میدهد و این همان کنش غیربیانی است. در واقع پروین در صدد دادن هشدار به مخاطب است و هدف او از چنین واژه گزینی صدق و کذب گفته نیست بلکه آنچه اهمیت دارد و پروین از عهده آن به خوبی بر آمده کاری (کنش درونی) است که از جانب مخاطب صورت میگیرد.

نتیجه گیری

معناشناسی و تجزیه و تحلیل نشانه‌های معنایی در نظامهای گفتمانی مورد بحث قرار میگیرد. نشانه‌های معنایی در گفتمان خلسه نشان دهنده حضور فاعلی است که با جداسازی از سطح شناختی، تجربه عاطفی و ظهور شناختی انفسی، معنایی منحصر به فرد را ایجاد میکنند. این معنا به عنوان نتیجه‌ای از تعامل با واقعیت برتر (جوهر هستی) و شکل‌گیری یک رو یکرد زیبایی شناختی بروز میکند. به اعتقاد محقق بیشتر شعرهای پروین به صورت گفتمان کارگفتی و روایی تأثیر میگذارند و دارای جنبه بیانی و توصیفی اند. او گرچه توانسته در شعرهای عرفانی، با استفاده از موضوعات شعری بزرگان عرفان، قدرت بیان بالایی داشته باشد اما تجربه خلسه نظیر آن بزرگان را به دست نیاورده و تنها به انتقال مضمون متکی شده است. در عین حال، حکایتی در سراسر دیوان شعری پروین وجود دارد که بیشتر بر تبلیغ احساسات، ارزشها و ایده‌ها تمرکز دارند و معمولاً به صورت تفسیری و فلسفی پیش میروند. او از طریق زبان راوی، توصیف و بیان دقیقی از شرایط ارائه میدهد، بدون آنکه نیاز به تعامل دوسویه باشد و این امر بیانگر تسلط کامل پروین بر شخصیت‌های حکایتی خود دارد مسئله‌ای که در تقابل با خلسه است. در مجموع، میتوان گفت پروین در تلاش برای ایجاد معنا و تأثیر گذاری، از نشانه‌هایی استفاده میکند که آرمانهای اخلاقی او را انتقال دهند و نحوه استفاده از این نشانه‌های معنایی با آگاهی کامل و در حیطه سطح شناختی شاعر بوده است و این مسئله برای رد خلسه کفایت دارد. از این رو میتوان نظر سایر پژوهشگران در تأیید وجود گفتمان کارگفتی و روایی در غالب شعرهای پروین را قبول کرد و گفت پروین بی‌خلسه شاعری است که موضوعات و مضامین عرفانی اش نیز، جنبه بیانی و توصیفی دارد تا عملی.

منابع

- اسماعیلی ، عصمت ، شعیری ، حمید رضا ، کنعانی ، ابراهیم . (1391). ((رویکرد نشانه- معناشناختی فرایند مربع معنایی به مربع تنشی)) ، نشریه علمی پژوهشی پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا) ، 6(3) ، 69-94
- اعتصامی ، پروین . (1381). دیوان پروین اعتصامی ، به کوشش دکتر حسن احمدی گیوی ، تهران : قطره .
- افراسیاب پور ، علی اکبر ، رشیدی ، ازندیانی . (1397). جایگاه خلسه در عرفان مولوی ، پویش در آموزش علوم انسانی ، 3(4) ، 73-84
- اکبری ، منوچهر . (1392). پروین پژوهی ، تهران : خانه کتاب .
- ایرانی ؛ محمد ، ملکی ، ناصر . (1397). بررسی سروده‌های پروین اعتصامی از منظر شعر شناسی شناختی و تحلیل گفتمان انتقادی ، فصلنامه علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی ، 9(36) ، 1-13
- بهادیوند چگینی ، مرضیه و همکاران . (1400). تحلیل فرایند تولید معنا در ((بلندی‌های بادگیر)) رویکرد نشانه- معناشناختی گفتمان ، دو فصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد ادبی ، 5(3) ، 35-48
- دل افکار ، علیرضا و همکاران . (1393). تحلیل ساختار کار گفت در قرآن کریم ، دو فصلنامه علمی پژوهشی ((پژوهشهای زبان شناختی قرآن)) ، 3(1) ، 39-60
- دهخدا ، علی اکبر . (1390-1385). لغت نامه ، ج 1، مصحح جعفر شهیدی و همکاران ، تهران : دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات و چاپ .
- شعیری ، حمید رضا . (1384). مطالعه فرایند تنشی گفتمان ادبی ، پژوهش زبانهای خارجی ، 0(25) ، 187-204
- شعیری ، حمید رضا . (1385). تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان ، تهران : سمت .
- شعیری ، حمید رضا . (1386). بررسی انواع نظامهای گفتمانی از دیدگاه نشانه- معناشناختی ، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی 0(219) ، 106-119
- شعیری ، حمید رضا . (1388). از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی ، فصلنامه تخصصی نقد ادبی ، 2(8) ، 33-51
- شعیری ، حمید رضا . (1391). تحلیل نشانه- معناشناختی خلسه در گفتمان ادبی ، فصلنامه پژوهشهای ادبی ، 9(36 و 37) ، 129-146
- شعیری ، حمید رضا . (1397). ((بررسی فرآیند زیبایی شناختی از دیدگاه نشانه- معناشناسی گفتمان)) ، <https://anthropologyandculture.com> ، 1-20
- شعیری ، حمید رضا ، اسماعیلی ؛ عصمت ، کنعانی ؛ ابراهیم . (1392). تحلیل نشانه- معنا شناختی شعر باران ، نشریه ادب پژوهی ، 0(25) ، 59-89
- شعیری ، حمید رضا ، کنعانی ، ابراهیم . (1394). نشانه- معناشناسی هستی محور : از بر هم کنش تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا ، ماهنامه جستارهای زبانی ، 6(2) ، 173-195
- شعیری ، حمید رضا ، (1396) ، مبانی معناشناسی نوین ، تهران : سمت .

- عبیدی نیا ، محمدا میر ، لاوژہ ، طاہرہ . (1389) . نقد ساختاری اشعار پروین اعتصامی ، فصلنامه تخصصی زبان و ادب فارسی- دانشکده علوم انسانی ، 1(2)، 104-116
- کاظمی ، فروغ . (1393) . جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه زبانی کار گفت ، نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث ، 20(55)، 7-38
- کاکاوند قلعه نویی ، فاطمه ، نجار نوبری ، عفت . (1396) . رویکرد بینامتنی در آموزه های تعلیمی پروین اعتصامی و مولوی ، فنون ادبی ، 9(4)، 47-56
- کنعانی ، ابراهیم . (1398) . تحلیلی فرایند گفتمانی گسست و پیوست در غزلهای کمال خجندی ، پژوهش نامه ادب غنائی دانشگاه سیستان و بلوچستان ، 17(32)، 159-176
- مظاهری ، عبدالرضا . (1387) . جایگاه عرفان در دیوان پروین اعتصامی ، دانشگاه آزاد اسلامی ، 167-179
- منوچهریان ، علیرضا ، اکبری ، سعید . (1394) . بررسی تطبیقی عناصر داستانی در باب الحکایات احمد شوقی و حکایت های پروین اعتصامی ، متون پژوهی ادبی ، 9(66)، 91-114
- نجفی ، علی . (1392) . باورهای عرفانی- اخلاقی پروین اعتصامی ، <https://rasekhoon.net> ، 1-8
- نصیحت ، ناهید ، باغبانی ، رضوان . (1400) . بررسی گفتمان القایی در فرایند مناظره امام رضا علیه السلام با علمای ادیان ، فصلنامه علمی فرهنگی رضوی ، 10(3)، 93-114
- ولیئی محمدآبادی ، قربان . (1394) . سخن عارف ، جاویدان خرد ، 12(28)، 149-169

- Abidinia, M; Lavasheh, T. (2010). "Structural Critique of Parvin Etesami's Poems," *Specialized Journal of Persian Language and Literature*, 1(2), pp. 104-116. inpersian
- Afrasiabpour, A; Rashidi, O. (2018). "The Position of Khalasah in Rumi's Mysticism," *Puyesh-e-Daramad in Humanities*, 3(4), pp. 73-84. inpersian
- Akbari, M. (2013). "*Parvin Etesami Studies*," Tehran: Khane-ye Ketab. inpersian
- Bahadivand Chegini, M et al. (2021). "Analysis of the Meaning Production Process in 'Windcatchers' Discourse: A Semiotic-Pragmatic Approach," *Journal of Applied Rhetoric and Literary Criticism*, 5(3), pp. 35-48. inpersian
- Dekhoda, A. (2006-2011). "*Dictionary*," Vol. 1, edited by Jafar Shahidi and colleagues, Tehran: Tehran University Press and Publishing Institute. inpersian
- Delafkar, Al et al. (2014). "Analysis of Discourse Structure in the Holy Quran," *Journal of Cognitive Linguistics of the Quran*, 3(1), pp. 39-60. inpersian
- Etesami, P. (2002). "*Divan-e Parvin Etesami*," edited by Dr. Hassan Ahmadi-Ghooyi, Tehran: Qatre. inpersian

- Irani, M; Maleki, N. (2018). "A Study of Parvin Etesami's Poems from the Perspective of Cognitive Poetics and Critical Discourse Analysis," *Journal of Persian Language and Literature*, 9(36), pp. 1-13. inpersian
- Ismaeili, E; Shairi, Hamidreza; Kanaani, E. (2012). "A Semiotic-Pragmatic Approach from the Square of Meaning to the Square of Tension," *Gohar-e-Goya: Journal of Literary and Mystical Research*, 6(3), pp. 69-94. inpersian
- Kakavand Ghaleh-Novin, F; Najjar Nooberi, E. (2017). "Intertextuality Approach in Educational Teachings of Parvin Etesami and Rumi," *Literary Arts*, 9(4), pp. 47-56. inpersian
- Kanaani, E. (2019). "An Analysis of Disjunctive and Conjunctive Discourse in the Ghazals of Kamal Khajandi," *Literary Ghenaie Studies Journal*, 17(32), pp. 159-176. inpersian
- Kazemi, F. (2014). "An Essay on the Linguistic Theory of Kargozari in Nahj al-Balagha," *Journal of Historical Studies on the Quran and Hadith*, 20(55), pp. 7-38. inpersian
- Manouchehriyan, A; Akbari, S. (2016). "A Comparative Study of Narrative Elements in the Stories of Ahmad Shouqi and Parvin Etesami's Stories," *Literary Texts Studies*, 9(66), pp. 91-114. inpersian
- Mazaheri, A. (2008). "The Position of Mysticism in the Divan of Parvin Etesami," Islamic Azad University, pp. 167-179. inpersian
- Najafi, A. (2013). "Mystical-Ethical Beliefs of Parvin Etesami," Retrieved from <https://rasekhoon.net>, pp. 1-8. inpersian
- Naseihat, N; Baghbani, R. (2021). "Investigating Inductive Discourse in the Process of Debate between Imam Reza and Scholars of Religions," *Razavi Scientific and Cultural Quarterly*, 10(3), pp. 93-114. inpersian
- Shairi, H et al. (2013). "Semiotic-Pragmatic Analysis of Rain Poetry," *Journal of Literary Studies*, 0(25), pp. 59-89. inpersian
- Shairi, H. (2005). "Study of Tensive Discourse in Literature," *Foreign Languages Research*, 0(25), pp. 187-204. inpersian
- Shairi, H. (2006). "*Semiotic-Pragmatic Analysis of Discourse*," Tehran: Samt. inpersian
- Shairi, H. (2007). "*Investigating Types of Discourse Systems from a Semiotic-Pragmatic Perspective*," Collection of Articles, Allameh Tabataba'i University, 0(219), pp. 106-119. inpersian
- Shairi, H. (2009). "From Constructivist Semiotics to Semiotic-Pragmatics," *Specialized Journal of Literary Criticism*, 2(8), pp. 33-51. inpersian
- Shairi, H. (2012). "Semiotic-Pragmatic Analysis of Khalasah in Literary Discourse," *Journal of Literary Research*, 9(36 and 37), pp. 129-146. inpersian
- Shairi, H. (2017). "*Foundations of Modern Semantics*", Tehran: Samt. inpersian

- Shairi, H. (2018). "Investigating the Aesthetic-Cognitive Process from the Perspective of Semiotic-Pragmatics," Retrieved from <https://anthropologyandculture.com>, pp. 1-20. inpersian
- Shairi, H; Kanaani, E. (2015). "Semiotic-Pragmatic Analysis of Being-Centeredness: From Interaction to Transcendence Based on the Discourse of Rumi and Chinese Mullahs," *Journal of Linguistic Studies*, 6(2), pp. 173-195. inpersian
- Valiyi Mohammadabadi, G. (2016). "Sokhan-e Arif", *Javidan-e-Kherad*, 12(28), pp. 149-169. Inpersian